











سلام

# « جایگاه مرد و زن از منظر قرآن »



جلسه چهارم - ۲۵ خرداد ۱۴۰۱



# نگاهی به آیه « ۳۴ » سورة نساء:

١- الرَّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ،

بِمَا فَضَّلَ اللَّهُ بَعْضَهُمْ عَلَى بَعْضٍ وَبِمَا أَنْفَقُوا مِنْ أَمْوَالِهِمْ،

٢- فَالصَّالِحَاتُ، قَانِتَاتٌ حَافِظَاتٌ لِّلْغَيْبِ، بِمَا حَفِظَ اللَّهُ،

٣- وَاللَّاتِي تَخَافُونَ نُشُوزَهُنَّ،

فَعِظُوهُنَّ وَاهْجُرُوهُنَّ فِي الْمَضَاجِعِ وَاضْرِبُوهُنَّ،

٤- فَإِنْ أَطَعْنَكُمْ فَلَا تَبْغُوا عَلَيْهِنَّ سَبِيلًا إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلِيمًا كَبِيرًا.

(نساء/٣٤)



نکته مهم

گفتیم که:

« هر چیزی و هر عاقلی » در « جهان »،

بطور « تکوینی » با خداوند « هماهنگ » است:

لَهُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ كُلُّ لَّهُ قَانِتُونَ (بقره/۱۱۶)

لَهُ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ كُلُّ لَّهُ قَانِتُونَ (روم/۲۶)



برای اینکه «**انسان**» هم

«**وصله ناجوری** در آفرینش» نباشد،

خداوند از «**بانوان**» انتظار دارد،

«**عاملِ تدریسِ قانت** بودن» باشند:

يَا مَرْيَمُ اقْنُتِي لِرَبِّكِ

وَاسْجُدِي وَارْكَعِي مَعَ الرَّاكِعِينَ

(آل عمران / ٤٣)



قَانِتَاتُ



فَالصَّالِحَاتُ:

حَافِظَاتُ الْغَيْبِ

بِمَا حَفِظَ اللَّهُ

# پرسش ۱:





« حق التدریس قنوت »  
چقدر است؟

« أَجْرُ بَانَوَانِ قَانَتْ »، « دُو بَرَابِر » است:

وَمَنْ يَقْنُتْ مِنْكُمْ لِلَّهِ وَرَسُولِهِ

وَتَعْمَلْ صَالِحًا نُؤْتِهَا أَجْرَهَا مَرَّتَيْنِ

وَأُعْتَدْنَا لَهَا رِزْقًا كَرِيمًا (أحزاب/ ۳۱)

و هر که از شما خدا و رهبر او را مشتاقانه فرمان برد و کار شایسته کند  
پاداش او را دو چندان می دهیم و برایش روزی نیکو فراهم آورده ایم.



قابل توجه اینک:

این « **أجر** » دنیوی و « **رزق** » اخروی،

برای « **قانت** » بودن « **مردان** »،

اختصاص ندارد!!!

به نظر شما آیا احتمال دارد:

« بانوئی صالح و قانت و حافظِ غیب »،

همواره « آراسته » و « بانشاط » و « صبور »،

و « شیرین زبان » و « دلربا » و « امیدوار »،

نباشد؟



پس در واقع خداوند انتظار دارد که « هر **بیتی** »،

با « حضورِ **بانوئی** صالح و قانت و حافظ »،

« **پنجره‌ای** » به سوی:

« زیبائی **آسمان** و روشنائی **امید** » داشته باشد

تا بتواند « **آرامش** و **زندگی** » بیافریند.

ملتّی هم که چنین زنانی دارد

«اَجْرش دو برابر» است:



وَإِذَا يُتْلَى عَلَيْهِمْ

قَالُوا: آمَنَّا بِهِ إِنَّهُ **الْحَقُّ** مِنْ رَبِّنَا

**إِنَّا كُنَّا مِنْ قَبْلِهِ مُسْلِمِينَ** (قصص/۵۳)

و هر زمان که بر آنها (قرآن) عرضه شود، گویند:  
ما آن را باور داریم، زیرا «حق» است و از نزد خدای ماست،  
ما قبل از آن هم از «تسلیم شدگان» بودیم.

أُولَئِكَ يُؤْتَوْنَ أَجْرَهُمْ مَرَّتَيْنِ بِمَا:

۱- صَبَرُوا،

۲- وَ يَذُرُونَ بِالْحَسَنَةِ السَّيِّئَةِ،

۳- وَ مِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ (قصص/۵۴)

آنها دو بار اجر می گیرند، زیرا صبور و مقاومند و بدی را با نیکی دفع می کنند،  
و از آنچه روزی شان داده ایم (مؤمنانه) انفاق می کنند.



شناسائی اینکه « قدیمی ترین مردم **خدا باور** »،

و « **مقاوم** ترین مردم » (در برابر اسکندر، اعراب، مغول، غریبه‌ها)،

و « **محسن** ترین مردم » (که تهدید را به فرصت تبدیل می‌کنند)،

و « **سخاوتمند** ترین مردم باخانمان در جهان »،

مردم<sup>21</sup> « کدام کشور » اند، کارِ سختی نیست.

# بخش سوم آیه ۳۴:



وَاللَّاتِ

تَخَافُونَ نُشُوزَهُنَّ

... (نساء/ ٣٤)

واژه نهم:





# پرسش ۲:



« نقشِ اَللّٰتِی و پیام » آن چیست؟



این موصول (به عنوان بدل جزء از کل)،

به «**برخی از زنان**» (صالح یا ناصالح) «اشاره دارد،

که به دلایل منطقی و یا غیر منطقی،

در **معرض** اختلال در «روابط زناشویی» اند،

اما هنوز دچار «**نشوز**» نشده‌اند.

شاید « **أَلَاتِي** » به این معنی است که تمام زنان متأهل دو گروه‌اند:

**اول:** بانوانی که: « **فَالصَّالِحَاتُ ، قَانِتَاتُ** »

**حَافِظَاتُ لِلْغَيْبِ بِمَا حَفِظَ اللَّهُ** » هستند (لذا نشوز ندارند).

**دوم:** بانوانی که « **وَاللَّاتِي تَخَافُونَ نُشُوزَهُنَّ** »

که از « نشوز » آنها نگران هستید.



به عبارت دیگر، تمام زنان دو گروه‌اند:

**اول:** بانوانِ «**صَالِحَات**»

(که اگر متأهل باشند، «تمکین» دارند.)

**دوم:** بانوانِ «**ناشِزه**»،

(که اگر متأهل باشند، «أهل تمکین» نیستند.)

واژه دهم:





# پرسش ۳:



«تخافون» یعنی چه؟



« **تَخَافُونَ** » یعنی:

« **ثَمَا** » (والدین، مسئولین، خیرخواهان جامعه و شوهران)،

نسبت به « **نَشُوزِ** » این بانوان،

« **نَغْرَانِید** »،

این « نگرانی »،

در « دو آیه این سوره » مطرح شده است:

وَاللَّاتِي تَخَافُونَ نُشُوزَهُنَّ ... (نساء/۳۴)

وَإِنْ امْرَأَةٌ خَافَتْ مِنْ بَعْلِهَا نُشُوزًا ... (نساء/۱۲۸)



پس طبقِ این دو آیه،

ظاهراً هنوز این ناهنجاری از بانوان ابراز نشده،

بلکه فقط «**نگرانی** از یک **احتمال**»،

و راه «**پیشگیری**» از آن مطرح شده است.

# پریشانی ۴:





مهمترین «اختلالات» در «مباشرت»؟

اول: « ناتوانی جنسی » هر يك از زوجين:

۱- « اشكالات اندامي »،

۲- « ناتواني رفتاري »،

۳- « مشكل بارداري = عقيم بودن »،



دوم: «نشوز»:

«خودداری عمدی»

زن یا شوهر از «مباشرت».

سوم: «ایلاء»:

«سوگندِ شوهر»

در پرهیز از «مباشرت»:



لِلَّذِينَ يُؤْتُونَ مِنْ نِسَائِهِمْ

تَرْبِصُ أَرْبَعَةَ أَشْهُرٍ

فَإِنْ فَاؤُ، فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ (٢٢٦)

وَإِنْ عَزَمُوا الطَّلَاقَ، فَإِنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ عَلِيمٌ (بقره/٢٢٧)

# چهارم: «ظهار»

اینکه شوهری، زنش را «مادر» بداند،

و از «مباشرت» با او «امتناع» کند:



الَّذِينَ يُظَاهِرُونَ مِنْكُمْ مِنْ نِسَائِهِمْ

مَا هُنَّ أُمَّهَاتِهِمْ

إِنْ أُمَّهَاتُهُمْ إِلَّا اللَّائِي وَلَدْنَهُمْ

وَإِنَّهُمْ لَيَقُولُونَ مُنْكَرًا مِنَ الْقَوْلِ وَ زُورًا ... (مجادله/٢)

« زشتی این ظهار » چقدر است؟



وَالَّذِينَ يُظَاهِرُونَ مِن نِّسَائِهِمْ ثُمَّ يَعُودُونَ لِمَا قَالُوا،

۱- فَتَحْرِيرُ رَقَبَةٍ

مِن قَبْلِ أَنْ يَتَمَاسَا

ذَلِكُمْ تُوعَظُونَ بِهِ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ (مجادله/۳)

فَمَنْ لَمْ يَجِدْ

٢- فَصِيَامُ شَهْرَيْنِ مُتَابَعَيْنِ

مِنْ قَبْلِ أَنْ يَتَمَاسَّ

فَمَنْ لَمْ يَسْتَطِعْ

٢- فَأِطْعَامُ سِتِّينَ مِسْكِينًا

ذَلِكَ لِتُؤْمِنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَتِلْكَ حُدُودُ اللَّهِ وَلِلْكَافِرِينَ عَذَابٌ أَلِيمٌ (مجادله/٤)



واژه یازدهم:



# پرسشی ۵:





«نُشوز» یعنی چه؟

« **ناشر** » بودن از نظر مترجمین و مفسرین،

« سرکشی، عناد با شوهر، آزارطلبی، عصیان، استکبار »

و « تمکین نداشتن در مباشرت » است،

و برخی آن را

شامل « همهٔ معاصی و حتی زنا » می‌دانند.



# «نشوز» در لغت:

« نشوز » از منظر کتاب التحقیق:

« تحرّک در ارتفاع »،

« ترکِ خضوع و مرافقت (و همراهی)،

و « خودداری از توافق و سازش » است.



پرسش ۶:



« تمکین » چیست؟



« تمکین » یعنی:

« برقراری روابط جنسی و زناشویی »

« میان زوجین » و یا:

« اطاعت پذیری زن در امر مباشرت »

« تمکین » و « نشوز »،

دو واژهٔ

« متضادّ » با یکدیگرند.



# «نشوز» در قرآن:

۱- أَوْ كَالَّذِي مَرَّ عَلَى قَرْيَةٍ وَ هِيَ خَاوِيَةٌ عَلَى عُرُوشِهَا

قال: أَنَّى يُحْيِي هَذِهِ اللَّهُ بَعْدَ مَوْتِهَا؟

**فَأَمَاتَهُ اللَّهُ مِائَةَ عَامٍ ثُمَّ بَعَثَهُ،**

قال: كَمْ لَبِثْتُ؟ قال: لَبِثْتُ يَوْمًا أَوْ بَعْضَ يَوْمٍ ...

یا مانند آنکه به شهری که بامهایش فرو ریخته بود عبور کرد؛ گفت:

چگونه خداوند اینها را پس از مرگشان زنده می کند؟

پس خداوند، او را صد سال میراند. آنگاه او را برانگیخت و به او گفت:

چقدر درنگ کردی؟ گفت: یک روز یا بخشی از روز.



قال: بَلْ لَبِثَ مِائَةً عَامٍ  
فَانْظُرْ إِلَى طَعَامِكَ وَ شَرَابِكَ لَمْ يَتَسَنَّهْ وَ انْظُرْ إِلَى حِمَارِكَ  
وَ لِنَجْعَلَكَ آيَةً لِلنَّاسِ

وَ انْظُرْ إِلَى الْعِظَامِ كَيْفَ نُنْشِرُهَا ثُمَّ نَكْسُوها لَحْمًا

فَلَمَّا تَبَيَّنَ لَهُ قَالَ: أَعْلَمُ أَنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ (بقره/۲۵۹)

گفت: بلکه صد سال درنگ کردی، پس به خوراک و نوشیدنی خود بنگر (که طعم و رنگ آن) تغییر نکرده است و به الاغ خود نگاه کن (که متلاشی شده) تا تو را (برای معاد) آیتی برای مردم قرار دهیم و به (این) استخوانها بنگر چگونه آنها را بر پا میکنیم و گوشت بر آن میپوشانیم. پس وقتی (چگونگی زنده شدن مرده) برای او آشکار شد، گفت: می دانم که خداوند بر هر چیزی تواناست.

۲- یا أَیُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا؛

إِذَا قِيلَ لَكُمْ: **تَفْسَحُوا** فِی الْمَجَالِسِ،

**فَافْسَحُوا** یَفْسَحِ اللَّهُ لَكُمْ ...

ای اهل ایمان؛ وقتی در مجالس به شما گفته شود: جا باز کنید،  
پس جا باز کنید تا خدا برایتان گشایش حاصل کند ...



وَإِذَا قِيلَ: **انْشُرُوا**،

**فَانْشُرُوا**

يَرْفَعِ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَالَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ دَرَجَاتٍ

وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ (مجادله/۱۱)

.. و وقتی گفته شود: **برخیزید**، پس **برخیزید**، خدا، آنهائی که از شما ایمان آوردند،  
و آنهائی را که دانشمندند، درجاتشان را بلند گرداند و خدا به آنچه می کنید آگاه است

پس « نشوز » گناه نیست:



وَإِنْ امْرَأَةٌ خَافَتْ مِنْ بَعْلِهَا « نَشُوزًا أَوْ إِعْرَاضًا »،

فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِمَا أَنْ يُصْلِحَا بَيْنَهُمَا صُلْحًا

وَالصُّلْحُ خَيْرٌ وَأُخْضِرَتِ الْأَنْفُسُ الشُّحَّ

وَإِنْ تَحْسَبُوا أَنَّ اللَّهَ كَانَ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرًا (نساء/۱۲۸)

و اگر زنی نگرانِ ناسازگاری یا اعراض شوهرش باشد بر آنها گناهی نیست که از راه صلح با هم سازش کنند زیرا سازش بهتر است اما (مراقب باشید که) بخل (و بی‌گذشت بودن) در نفوس، حضور (و غلبه) دارد، پس اگر نیکی کنید و تقوا پیشه نمایید، قطعاً خدا به آنچه انجام می‌دهید آگاه است.

پس طبق آیه ۱۲۸ همین سوره نساء،

«نشوز»

**اولا:** در رفتار «مردان» هم دیده می‌شود،

**ثانیا:** رفتاری غیر و کمتر از «إِغْرَاضِ» است.

**ثالثا:** قرآن زوج را به «مصالحه» فرا می‌خواند.



البته با اینکه «**نشوز**»:

«**گناه**» و «**عملِ زشتی**» نیست،

و شامل سایرِ «**معصیت‌ها**» نمی‌شود،

اما می‌تواند خانواده را «**متلاشی**» کند.

پرستی ۷:





« علل » احتمالی نشوز؟

**اول:** شاید زنِ ناشزه، «نوعروسی» است که

به خاطر: ناآگاهی و خیالبافی و یا القائات دیگران،

ذهنیتِ نادرستی از «مباشرت» و عوارض بعد از آن دارد،

و چنان از انجام آن «هراسناک» است که:

«شوهر یا والدین یا مسئولین» می‌توانند «نگرانی» او را

«قبل» از مباشرت «بفهمند و از آن «نگران» شوند. (= **تَخَافُونَ**)



**دوم:** شاید اِمتناعِ زن به خاطر:

بیماری، بارداری، زایمان، یا ترس از باردارشدن،  
یا خستگی ناشی از بچه‌داری، مهمانی، مسافرت،  
و یا « عادت ماهانه » و موارد دیگر باشد،  
و او برای « مباشرت »،

از آمادگی روانی و جسمی مناسب برخوردار نباشد.

**سوم:** شاید خودداری زن به خاطر:

« إهانت و بدرفتاری و خشونت »،

و « نفقه ندادن »

و « تقاضاهای نامتعارف » شوهر باشد.



# چهارم: شاید « زمانِ نامناسب »،

(مثل: ایام عزاداری، مرگ عزیزان ...)

## و یا « مکانِ نامناسب »،

(مثل: حضور فرزندان یا مهمانان در فضای اندک خانه و مهمانی یا سفر)،

عاملِ « پرهیز زن از مباشرت » می‌باشد.

**پنجم:** شاید بانوان با غفلت از «نیاز» خود،

«مباشرت» را رفتاری «حیوانی»،

و عامل «تحقیر» خود می‌پندارند،

و «حکمت» مراجعه شوهر را نمی‌دانند.



# پرستی ۸:



« حکمتِ » مراجعۀ شوهر چیست؟



و فورِ « بدن نمائی و طنازی و تبرّج » و « تن فروشی »،

در میانِ « زنان جهان » و « در تمام طول تاریخ »،

« شدّت نیاز جنسی » آنها را « اثبات » می کند،

پس خداوند با « رغبتِ مشتاقانه شوهران به آنها »،

« حرمتِ » آنها را حفظ و آنها را در مأموریتشان موفق می کند.

در هر حال شوهران نباید متوقع باشند

که در هر شرائطی،

زنانشان از هر نظر برای اِرضاء جنسی آنها

آمادگی لازم را داشته باشند.



قانون و شرع هم در موارد زیر به زن، اجازه نشوز داده است:

۱- ابتلای شوهر به امراض جنسی و مقاربتی.

۲- احتمال ضرر بدنی و مالی و شرافتی.

۳- تعیین محل زندگی توسط زن.

۴- بیماری زن.

۵- استفاده از حق حبس برای دریافت مهریه.





خدایا؛

موجباتِ «ازدواجِ عاقلانه»

و «زندگی مومنانه»

و «بندگی عاشقانه» را

برای تمام افرادِ «با اراده و مؤمن» فراهم فرما.



السلام عليكم و  
رحمة الله وبركاته

